

نظریات جهانی طراحی شهری میان افزا

سعید زندوکیلی^۱

(۱) کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان Mehraz63@yahoo.com

چکیده

به این نوع گسترش سکونت به حواشی شهر گسترش پخشی گویند. بنابراین برای پروژه‌های میان افزا مهم است که شامل واحدهای مسکونی باشند. به عبارتی توسعه میان افزا عبارتی متضاد باگسترش پخشی است. در این صورت توسعه میان افزا به خلق بافت

فشرده و سرزنده و با کاربری های مختلط و مختلف، الگوی دسترسی مطلوب و محله هایی با امکانات مطلوب مانند پارکها، مراکز مراقبت از بچه ها، فروشگاهها، کافهها، رستوران ها، مدارس و فضاهای عمومی پیاده مدار، کمک می کند.

این چنین توسعه ای می تواند به خلق مراکز شهری فعال و مراکز واحدهای همسایگی (محلات) کمک کند را در میان محلات مرکزی و فرسوده پرورش دهد. همچنین می تواند بازه گسترده ای از «حس مکان» و گزینه های خانه سازی، تعادل مطلوبی بین محل کارخانه و فروشگاه ها و دیگر موارد مطلوب را بر محدودده بیافزاید. میان افزایی خود ش به تنهایی نمی تواند مشکلات رشد نواحی حاشیه ای را حل کند، اما در حالت ترکیبی (بامحافظت شهر به وسیله کمربند سبز، حمل و نقل عمومی مناسب، طراحی خیابانهایی با پیاده مداری بیشتر) می تواند به رشد هوشمند و پایداری دست یابد.

نظریات، تفکرات و گرایشات جهانی

در آغاز دهه ۱۹۶۰، دو کتاب اثرگذار، راه و روش تفکر برنامه ریزان وطراحان را در مورد شهرتغییر دادند. کوین لینچ اساس کتابش (سیمای شهر) را بر تحقیقات تجربی و روش هایی که مردم عادی شهر را احساس و از آن استفاده می کردند، قرارداد. او این طور بیان نمود که "هیچ کس نمی تواند یک شهر را با تمام پیچیدگیش بفهمد. در عوض مردم آشفتهگی های شهرشان را با تفکر برحسب گره ها، مسیرها، لبه ها، نشانه ها ونواحی دسته بندی می کنند (K.)."

Lynch, 1960:76)

یک سال بعد، روزنامه نگارمعمارجین جیکوبز، نسبت عرف برنامه ریزی درمقیاس بزرگ را در کتاب "مرگ وزندگی درشهرهای بزرگ آمریکایی" پذیرفت. با اینکه او برنامه ریزان را برای بسیاری از اشتباهات معماران، توسعه دهندگان وسیاستمداران مقصرمی دانست، نظرقوی و متقاعدکننده ای را در این زمینه ارائه داد. اودراین کتاب نوشته است: با توجه کردن به چگونگی استفاده مردم ازپیاده روهها،

اکثر توسعه های میان افزا در محدودده های درونی شهر اتفاق می افتند. امدارصد کمی از توسعه میان افزایی نیز به جای محدودده های باز و ناکارآمد درونی، در نواحی بیرونی و حاشیه ای اتفاق می افتند. توسعه میان افزا، شکل های مختلفی می تواند داشته باشد. در گذشته، تمامی توسعه های میان افزا برای خلق مکان های جذاب و سرزنده سازماندهی نمی شدند. اما در دهه های اخیر در خصوص چگونگی برنامه ریزی و طراحی پروژه های میان افزا به منظور ارتقا کیفیت زندگی تلاش های بسیاری شده است. روش پژوهش حاضر تحلیلی و توصیفی می باشد که ضمن بررسی نظریات و تفکرات جهانی شهری، روند گرایشات جهانی به سمت طراحی شهری میان افزا را بیان میکند.

واژه های کلیدی

توسعه- میان افزا- طراحی شهری- بافت فرسوده

مقدمه

میان افزایی شهری، توسعه زمین های خالی و بلااستفاده درمیان نواحی شهری است. توسعه «میان افزا» به معنای ساختن خانه های جدید، مکانهای کار جدید، فروشگاه های جدید و امکانات وتسهیلات دیگر درمیان یا محدودده موجود شهر است این توسعه می تواند انواع مختلفی داشته باشد.

- ساختمان سازی درقطعات خالی و ایجاد کارکردهای جدید برای محدودده هایی با عملکرد پایین، (مانند قطعات پارکینگ یا سایت های صنعتی قدیمی)

- احیا و توسعه ساختمانهای موجود (E. Maria Roth, 2000: 6)

بوسیله میان افزایی، محله ها ومحدوده های شهری می توانند توسعه مسکونی وفعالیتی خود را در مقابل- توسعه بیرونی - به سمت فضاهای باز یا زمین های توسعه نیافته درونی و یا فرسوده، گسترش دهند(E. Maria Roth, 2000:8).

توسعه میان افزای موفق، با دقت مضاعف، ساختارهای جدید را به زمینه شهر پیوند می دهد. ساختمان های میان افزا مطلوبیت مورد نیاز را به شهر اضافه می کند و تلاش می کند تا امکانات موجود و آنچه قادر است ساخته شود را با هم در نظر بگیرد (EPA, 2004:67).